

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری سابق ایران برای شرکت در مراسم چهارمین سالگرد درگذشت نجم الدین اربکان، سیاستمدار اسلام گرای ترکیه که از ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ نخست وزیر این کشور بود، به بورسا سفر کرده بود.

احمدی نژاد خطاب به خبرنگار بی بی سی فارسی:



به گزارش اسپادانا خبر به نقل از تیک، در ادامه گزارش خبرنگار بی بی سی فارسی آمده است: این سفر به دعوت بنیاد موقوفه اربکان صورت گرفت و فاتح اربکان، پسر نخست وزیر فقید به عنوان میزبان از احمدی نژاد پذیرایی می کرد. طبق برنامه قبلی که میزبان به ما اعلام کرده بود، قرار بود جمعه صبح در هتل محل اقامت آقای احمدی نژاد یک کنفرانس خبری برگزار شود و من و فیلم بردارم از شب قبل در آنجا مستقر شدیم تا بتوانیم این برنامه را پوشش دهیم. من با مشورت سردبیرانم چند سوال را از قبل آماده کرده بودم تا در صورت حضور در این کنفرانس خبری، مطرح کنم. سوال هایی درباره آینده سیاسی آقای احمدی نژاد، نظرش درباره پرونده های فساد مالی و همین طور مذاکرات هسته ای با آمریکا. اما زمانی که برای کنفرانس خبری مراجعه کردم، مطلع شدم که این برنامه لغو شده است. کارکنان بنیاد اربکان علت لغو این کنفرانس خبری را تغییر برنامه آقای احمدی نژاد عنوان کردند. ولی از بورسا دست خالی برگشتم. زمانی که آقای احمدی نژاد از اقامتگاه سابق آیت الله خمینی بازدید می کرد، توانستم چند سوال از او بپرسم. اعضای هیئت همراه آقای احمدی نژاد خیلی زود متوجه حضور من به عنوان خبرنگار بی بی سی فارسی شدند. خود آقای احمدی نژاد چند بار در طول برنامه های مختلفی که در بورسا داشت، رو به دوربین عکاسی من دست تکان داده بود ولی نمی دانستم که آیا حضور خبرنگار بی بی سی فارسی را به او اطلاع داده اند یا نه؟ ولی او می دانست من ایرانی ام چرا که چند بار به فارسی صدایش کرده بودم و در پاسخ دستی تکان داده بود. به هر حال، در غیاب خبرنگاران رسانه های رسمی ایران که در ترکیه مستقر هستند، به نظر می رسید من تنها خبرنگار ایرانی یک رسانه عمده بودم که سفر او به این شهر را پوشش می دادم. آقای احمدی نژاد پس از ورود به بورسا در نماز جمعه بورسا حاضر شد و پس از نماز مدتی را مشغول پاسخگویی به ابراز احساسات نمازگزاران بود. مقصد بعدی احمدی نژاد، اقامتگاه دوران تبعید آیت الله خمینی در بورسا بود. آیت الله خمینی پس از تبعید از ایران در آبان ۱۳۴۳، پس از حدود یازده ماه سکونت در بورسا راهی نجف شده بود. ساختمان مورد بازدید، به علت نوسازی با محل اقامت آیت الله خمینی تفاوت داشت و آقای احمدی نژاد در حالی که منقلب بود، سوال هایی را از حاضران می پرسید. پس از این بازدید، خبرنگاران ترک که در حیاط خانه جمع شده بودند، از آقای احمدی نژاد خواستند که عکس یادگاری بگیرند و البته او پذیرفت. من هم در حالی که میکروفون را طوری در دست گرفته بودم که آقای احمدی نژاد لوگوی بی بی سی فارسی را ببیند، سوال اول خودم را پرسیدم: "آقای احمدی نژاد می گید الان چه حسی دارید؟ در منزل قدیمی امام هستید". احمدی نژاد در حالی که می خندید و سرش را تکان می داد، دو سه باری با دست به من اشاره کرد و بریده بریده گفت: حسی که... حسی که... من هم با خنده یادآوری کردم که تنها ما هستیم که سفرش را پوشش می دهیم... گفتم: فقط ما اومدیم. واحد مرکزی نبوده... احمدی نژاد گفت: "حسی که شما داری، این حس خیلی زیباست. قابل وصف نیست." ازدحام اطرافیان و سر و صدا باعث شد که درست متوجه پاسخ آقای احمدی نژاد نشوم. شک داشتم که کیفیت صدای ضبط شده خوب باشد. برای همین از او خواستم که پاسخش را تکرار کند. احمدی نژاد این بار جدی تر گفت: "حس خیلی زیبایی است. قابل وصف نیست. امام در واقع روح حقیقی انسان ها را دمید در آنها. یعنی احساس انسان بودن. احساس عزیز بودن." بعدا که فیلم را نگاه کردم از این که از او خواستم جواب را تکرار کند، احساس رضایت کردم چرا که پاسخ اولش جالب نبود و برای همین با این که تصویر من تنها در این قسمت از گفت و گو دیده می شدم، در گزارشی که پخش شد، از آن استفاده نکردم و با در اختیار داشتن پاسخ دوباره او به سوال اول، از آن استفاده کردم. پس از تکرار پاسخ سوال اول، از احمدی نژاد پرسیدم: "سفرتون به ترکیه چطور بود؟" بدون نگاه کردن به من گفت: "خوبه. الحمدالله ملت ترکیه خوبن. هر جا می ریم مردم همیشه خوبن." در این لحظه بود که آقای احمدی نژاد شروع به حرکت کرد. من هنوز سوال اصلی خودم رو نپرسیده بودم. این بود که گفتم: "آقای احمدی نژاد یک سوال دیگر

پیرسم. شما آینده سیاسی خودتون رو چگونه می بینید؟" در همان لحظه یک نفر از همراهان آقای احمدی نژاد گفت: "سوال دیگه نداریم. یکی از مقام های سابق همراهش هم به من تنه زد و با نگاه تندی اشاره کرد که از آقای احمدی نژاد فاصله بگیرم. یک نفر دیگر هم هولم داد و ناگهان دو سه نفر دیگر از همراهان دورم را گرفتند و می خواستند فیلم سوال و جواب را از من بگیرند." خبرنگاران ترکیه ای و همین طور دیگر شهروندان این کشور که در آن مکان حضور داشتند، با تعجب نظاره گر ماجرا بودند ولی ترجیح دادند آقای احمدی نژاد را که به سوی در ورودی حرکت می کرد، دنبال کنند. در نهایت یکی از همراهان آقای احمدی نژاد، من و فیلم بردارم را از دست این دو سه فرد عصبانی خلاص کرد و آنها را با خود برد. این سوال برای من پیش آمده بود که وقتی فردی مانند محمود احمدی نژاد که دو دوره رئیس جمهوری بوده، صلاح دانسته به سوال های یک خبرنگار پاسخ دهد، چرا بعضی از اطرافیانش آن طور تند برخورد می کنند؟ عصر هنگام بود که من در لابی هتل مشغول تدوین گزارشم برای پخش از خبر بودم که زنگ موبایلم به صدا در آمد. شماره ناشناس بود ولی فردی که آن طرف خط بود، آشنا. از همراهان آقای احمدی نژاد بود که زنگ بود این پیام را به من بدهد. او گفت "آقای دکتر از اتفاقی که افتاد ناراحت است و ابراز تاسف کرده."

برچسب ها: [احمدی نژاد](#) [1]